

اتحاد چپ کارگری

بولتن سیاسی خبری زیر نظر هیئت هماهنگی — شماره ۱۵۸ سه شنبه ۲۵ آذر با ۱۶ دسامبر ماه ۲۰۰۳ — کارگران جهان متحد شوید!

نامه سرگشاده به شیرین عبادی — شهاب برهان

خانم شیرین عبادی، با سلام!

مردم آگاه و تشنه آزادی ایران، شما را بسیار پیشتر از آن که جایزه صلح نوبل نصیبتان شود می‌شناختند و به مبارزات جسورانه و پر مخاطره‌تان در دفاع از حقوق بشر، حقوق زنان و کودکان، و نیز در رابطه با پرونده خوابگاه دانشجویان، با تحسین و قدرشناسی می‌نگریستند. ارج شما در نزد مردم ایران نه از اعتبار این جایزه است (که بارها نصیب آدم‌های مرتجع و بی اعتبار هم شده است)، بلکه این بار، خود این جایزه اعتبارش را از مبارزه شما برای حقوق بشر و دموکراسی گرفته است؛ و این، جای خوشوقتی و تبریک دارد.

دو جریان سیاسی وجود دارند که تلاش می‌کنند این پیروزی را از مضمون اصلی خود تهی، و کارکرد آتی آن را مسخ کنند. یکی جریان ناسیونالیستی است که این پیروزی را مایه افتخار بی‌معنای ملی و مباحث بیجا به ایرانی بودن قلمداد می‌کند؛ دیگری، می‌کوشد از آن، سرمایه‌ای برای «دوپینگ» جناح محتضر اصلاح طلب حکومت، و ترویج افسانه «مردم سالاری دینی» بسازد. نقش شما و موضع‌گیری‌هایتان در این میان، در این که معنا و حاصل این پیروزی چه از آب در آید، بسیار حساس و کلیدی است.

شما در آنچه با جایزه نقدی نوبل خواهید کرد، البته آزادید؛ اما آزاد نیستید با سرمایه سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی این پیروزی هر چه خواستید بکنید و آن را به حساب هر جریان فکری و سیاسی که شخصاً با آن نزدیکی دارید بریزید. کمیته نوبل هر معیار و چشمداشتی در انتخاب شما داشته باشد، از دید مردم ایران که از این انتخاب شادمان‌اند، این جایزه اعتبارش را از پیکار برای آزادی، دموکراسی و برابری، و مبارزه جانانه زنان ایران در این راه گرفته است، که شما بعنوان نماد و مظهری از آن انتخاب شده‌اید. به همین خاطر هم هست که این پیروزی، پیروزی شخصی شما نیست و همانطور که خودتان هم بارها گفته‌اید، به مردم ایران که برای آزادی و حقوق بشر دموکراسی و برابری مبارزه می‌کنند تعلق دارد. و به همین دلیل هم هست که این پیروزی را باید وسیله‌ای کرد برای هرچه آگاه‌تر کردن اذهان و استوارتر کردن گام‌های مردم، و کوتاه‌تر کردن راهشان در این مبارزه؛ و هرچه رساتر کردن صدای آزادی‌خواهی و برابری طلبی‌شان در جهان.

دنباله در ص ۴

اخبار کارگری ... در ص ۶

جنبش مستقل طبقه برای طبقه را یاری دهیم!

امیرجوهری لنگرودی ((بخش شش)) دسامبر ۲۰۰۳

یاد آوری: در سلسله مطالب پیشین از سیر حرکت و جهت گیری نهادهای دولتی و ضد کارگری نظیر (خانه کارگر-شوراهای اسلامی کارگر-حزب اسلامی کار) نمایندگان این جریانات، وزارت کار دوره های مختلف، وزیر کار این دوره (صغدرحسینی) و چگونگی مذاکرات رژیم با سازمان جهانی کار (ال-ال-او) و جنبه های گوناگون عمل آنان صحبت میان آوردیم. در آخرین بخش تاکید داشتیم: مادامیکه رژیم جمهوری اسلامی بر سر کار است مبنای حرکت ما تنها تن دادن به وضعیت موجود نبوده و نیست بلکه تغییر وضعیت موجود و پذیرفتن واقعیت های تلخ زندگی روزمره آحاد مردم ایران، می بایست مبنای عمل ما باشد. باید برسر تغییرات ممکن در جهت تغییر آرایش ونا ممکن ساختن حکومت گران بر فراز سر جامعه اندیشید تا بتوان مطالبات بیواسطه کارگران و زحمتکشان مزدحقوق بگیر را پاسخ داد!

در این بخش از بحثم به مشخصه مبارزه جنبش کارگری در شرایط کنونی پرداختم و در مجموع خواستها، آرایش و چگونگی سازمان یابی طبقه را مرور کردم و یادآور شدم: استقلال جنبش کارگری مهمترین الزام این مرحله از مبارزات کارگران ایران است و اما در ادامه مقاله با طرح چند پرسش بحث را دنبال میکنم.

پرسش هایم نکات زیر است:

— استقلال جنبش کارگری به چه معنی است و منشاء و هویت طبقاتی این اکثریت عظیم را چگونه باید توضیح داده و تعابیر تئوریک و سیاسی این مهم از نظر گرایشات — آیا طبقه کارگر میباید تنها به نیروی در خود و برای خود تلقی گردد یا در تحرکات سایر اقشار و نیروهای اجتماعی نیز شرکت فعال نماید؟

— در ایران در برابر موجودیت خانه کارگر، شوراهای اسلامی و رژیم ضد کارگری تا بن دندان مسلح، چگونه میتوان از شکل گیری تشکلات کارگری مستقل و الزامات ضروری ایجاد آنها در این مرحله یاد کرد و اینکه دولت تحت چه شرایطی به این عقب نشینی تن داده است؟

— اساساً بحث ساختار مستقل تشکل سراسری کارگران و ضرورت وجودی چنین استقلال عملی را برای مبارزات کارگران به چه شکلی می توان توضیح داد و درکمان از استقلال عمل کارگران حول چه مواردی است؟

— در نهایت واکنش موثر فعالین پیشرو کارگری از یکسو و توده عظیم کارگران از سوی دیگر در برابر خواسته های صنفی و سیاسی خویش و اعتراضات مستمر آنان در جهت وصول مطالبات معوقه شان، طی این سالها و عقب نشینی دولت برای پذیرش پیش شرط سازمان جهانی کار (ال-ال-او) در راستای ایجاد انجمن های صنفی، سندیکا یا هر نهاد کارگری دیگر را بویژه در این شرایط چگونه می بینیم و اساساً گرایشات گوناگون داخل و خارج از کشور پیرامون شکل گیری تشکل های کارگری مورد نظر سازمان جهانی کار (ال-ال-او) به چه شکل اظهار نظر مینمایند؟

— وظیفه سوسیالیست ها و پیشروان باورمند به مبارزات طبقه کارگر در شرایط فعلی چیست؟ تلاش میکنم طی گفتار ششم و نوشته های بعدی به این پرسش ها پاسخ گویم و این مطلب را به پایان بوم. مختلف را چطور ادا نمود؟ دنباله در ص ۲

...دنباله جنبش مستقل طبقه برای طبقه را یاری دهیم از ص

همیشه وقتی از استقلال جنبش کارگری حرف میزنیم این سؤال به ذهن متبادر میگردد، استقلال از کی وجه و اساسا با چگونه پارامترهای سنجیده میشود؟ بدون تردید در نگاه اول استقلال جنبش طبقاتی از دولت بورژوازی، نهادهای کارفرمائی و در ایران از تشکل های دست ساز و ضد کارگری که به دفعات از آنها در سلسله نوشته هایم یاد کردم، نام میبریم. ولی آیا این همه کاراست؟ یا اینکه همینقدر تشکل کارگران به دولت، کارفرما و نهادهای شبه کارگری وابسته نباشد برای استقلال تشکل کفایت میکند؟ بطور یقین نه! اگر میپذیریم که مضمون جنبش کارگری، جنبه های گوناگون سطح کار یعنی مسائل اقتصادی و صنفی کارگران از یکسو و امور سیاسی آنان از سوی دیگر با خود دارد، بنابراین امر استقلال این جنبش، به خودی خود باید تمامی این جنبه ها را بپوشاند!

نیاید از یاد ببریم اصلی ترین نکته بحث، در نظر داشتن منشاء هویت یابی طبقاتی کارگران و زحمتکشان مزد و حقوق بگیر، جایگاه واقعی و یعنی مسائل اقتصادی، اجتماعی و منافع یکایک آنان و منفعت مشترک شان توأمان میباشد.

جنبش کارگری در هر سطح و هر مرحله ای از یک هسته صنفی گرفته تا یک جنبش متشکل سراسری، اگر به این هویت یگانه استوار نباشد همواره استقلال جنبش کارگری در معرض آسیب و خطرپذیری خواهد بود! از همین رو بر ما روشن است که منشاء هویت یابی کارگران اساسا تحت هیچ شرایطی بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، زبان، ملیت و بزرگی و کوچکی آنان فراهم نمیگردد یا بر عکس یگانگی کارگران در وحدت ایدئولوژیک و ایمان عقیدتی تمامی آنان بر پایه یک اصول مرامی خاص مبنای هویت یابی شان نیست و یا حتی وحدت طبقه صرفا از طریق نفی استبداد سیاسی و تحمیل یک ایدئولوژی واحد به طبقه کارگر و با یک نظام تک حزبی دنبال نمیگردد بلکه پذیرش تعدد گرایشات فکری و نظری در میان کارگران، یگانه وسیله تجمع این اکثریت عظیم بشمار میآید. در برابر شکل گیری حزب، که بخودی خود بالاترین سطح تشکل طبقاتی کارگران هم نامیده میشود، عملا نه تشکل اخص طبقاتی، بلکه تشکلی ایدئولوژیک و تک بنی است که در خدمت پیشبرد مطامع گرایش ایدئولوژیک واحدی قرار میگیرد و این با سازمانیابی و تجمع تشکل مستقل سراسری کارگران متفاوت است.

امروز پیشروان کارگری و آنانی که از کوران افت و خیز شکست ها بیرون آمده و درس آموخته اند، نیک دریافته اند: هر گونه عقیدتی و ایدئولوژیک کردن هویت طبقاتی کارگران، منافع مشترک آنان را تا حد زیادی ناممکن میسازد و پراکندگی صفوف و تقابل منافع کارگران را به شدت دامن میزند، چرا که تجدید آرایش این نیروی عظیم میلیونی در صفوف متشکل سراسری اش، تنها با اتکاء به صف مستقل خویش و با اتکاء به تجمع همه گرایشات نظری و فکری تمامی کارگران فراهم میآید! پیشروان آگاه کارگری و باورمندان به مصالح طبقه باید اساسا از ایدئولوژیک کردن هویت کارگران بپرهیزند. چرا که هر نوع درهم آمیزی، و وابسته ساختن ها، تشتت در صفوف زحمتکش و انحلال در امر وحدت طبقاتی شان را فراهم میسازد. همین در هم آمیختگی، استقلال تشکل را نیز در برابر موجودیت احزاب ایدئولوژیک تا زیادی با دشواری روبرو میسازد. این امر در چالش جنبش کارگری ایران در سالهای ۱۳۲۵ به اینطرف مشخصا رابطه ((شورای متحده مرکزی)) و حزب توده با دشواریهای معینی روبرو ساخته بطوریکه با انحرف حزب به راست، وجه استقلال و هویت کارگران را تحت الشعاع خود قرار داده است. لذا درس آموزی از این داده تاریخی برای جنبش کارگری ایران اهمیت بسزایی خواهد داشت.

در وضعیت امروز و روردری با نظام ضد تاریخی حاکم، موضوع همسویی کارگران با سایر اقشار ولایه های جنبش و دفاع از مبارزات آنان از اهمیت خاصی برخوردار است. این گرایش وقتی از استقلال حرف میزند، سر فروردن کارگران در لاک مسائل صرف کارگری و نیالودن دامن این طبقه به جنبش های همگانی و فراطبقاتی را نیز جزء خلوص و حفظ استقلال و صف مستقل کارگری قلمداد میکند و فراتر رفتن از اقدام خود کارگران را، گاهی در نوشته هایشان بنفع طبقه نمی شناسند. همینطور مختصات مطالباتی جنبش های عمومی و فراطبقاتی را مسائل و مطالبات اخص مبارزه طبقاتی کارگران نمی دانند. چرا که این تحرکات از نگاه آنان حصلت بورژوازی داشته بالطبع وارد شدن کارگران در این میدان به آنها ربطی ندارد! مناسفانه گرایشی که خود را در داخل و خارج از استقلال جنبش با نوعی بدفهمی از استقلال توأم است.

از اینرو اغلب نویسندگان و کوشندگان این گرایش و سخنگویان آن، ورود کارگران به حوزه مسائل درخواستهای جامعه روشنفکری، دانشجویی، هر نوع مدافعه از منشور حقوق بشر، حقوق مدنی و حق شهروندی و بخش بحث دموکراسی و غیره را تماما ابزارهای بورژوازی می شناسند و بدلیل حمایت از نگرش صف مستقل، جنبش کارگری را همواره از آلوده نشدن به سموم بورژوازی و تیری از آنها سوق میدهند. در یک کلام طرفداران گرایش ناب طلبی و خلوص طبقه کارگر در سازمانیابی صف مستقل، بحث خود را عمدتا در خط مشی ضد ائتلافی بر سر موارد پیشگفته برجسته میکنند و همین حد مدعی اند که اینها مقولات بورژوازی اند و جنبش های همگانی و عمومی، فراطبقاتی اند، بنابراین مادرمبارزه خویش بر آنها راه نمیگشاییم تا استقلال کارگران را حفظ نماییم!

اگر این درک را بپذیریم پس همسویی و همراهی دانشجویان در اول مه ۲۰۰۳ (۱۱ اردیبهشت ۸۲) در شهر تبریز و برپایی میزگرد کارگری آنان که پیوند خود با مبارزات کارگران را به گوش جهانیان رساندند، باید به مبارزه طبقه کارگر ایران ضربه وارد کرده باشد! در تظاهرات دوره اخیر ۱۶ آذر ۸۲ در پنجاهمین سال گرامیداشت مبارزات روز دانشجو، در چند دانشگاه طنین حمایت و پشتیبانی از مبارزات و اعتراضات و اعتصابات کارگران عموما و کارگران صنایع پتروشیمی در جلوگیری از خصوصی سازی بویژه در شعارها و پلاکارها برجسته شده است ویا در سلسله برنامه های زنان داخل کشور به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن امسال فعالین جنبش زنان طی کنفرانس ها و سیمینار های چندی، از مشکلات کار زنان، بردگی خانگی، جهانی شدن و عواقب آن، سیاستهای نیولیبرالیسم و مضایق کار کارگران و زحمتکشان ایران و برابر حقوقی آنان در تمامی عرصه های کاروتلاش به دفعات صحبت کردند! گزارشات این اقدامات در بولتن های خبری و سیاسی اتحاد چپ کارگری در همان موقع بازتاب یافته است (توجه به این امر از اهمیت زیادی برخوردار است).

از نگاه من، این نگرش و مبلغین آن کمتر کمکی در جانبداری و سازمان یابی صف مستقل کارگران میکنند زیرا که تعمیق این نظر و دفاع از چنین درکی، خود به خود استقلال جنبش و شکلگیری صف مستقل کارگران را به محال میکشاند. زیرا منزه طلبی و ناب گرایی بویژه در شرایط امروز مبارزات جاری در درون کشورهای پیرامونی و خاصه در کشور ما از آن جهت خطرناک است که در وضعیت دشوار و سراسر پرمحنت و محرومیت کارگران ایران

دنباله در ص ۳

کنفرانس نشریه کریتیک . شنبه ۲۸ فوریه ۲۰۰۴

۱۰ صبح تا ۵ بعد از ظهر

London School of Economics

...دنباله جنبش مستقل طبقه برای یاری دهیم از ص ۲

سرنگونی رژیم و خواست تحقق حکومت دمکراتیک ووصول آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و عرصه پیکار با سرمایه داری مسلط، سیاست ممانعت و آسیب به نوبت را مراعات نمایند تا شرایط مقتضی فراهم گردد!

گرایش طرفدار رفرم در اساس با مبارزه طبقاتی مرز دارد و تقسیم جامعه به طبقات دارا و ندار، سرمایه و کار، استثمارگر و استثمار شونده، سازش کاری و مبارزه طلبی و سایر مختصات جامعه ۷۰ میلیونی را که در آن ۸۰ درصد زیر خط فقر دست و پا میزنند را بر نمی تابد. این گرایش همواره بر آن است که نباید در مبارزه عجله کرد تا صف اتحادها و جبهه همگانی در هم ریخته شود. اینان همان سوی «همه با هم» اند و ندا سر میدهند همه در یک «جبهه واحد» برای «طرد ولایت فقیه» که در هم شکستن سیستم سرمایه داری حاکم به میدان یابیم. با تقسیم مبارزه به دو مرحله دمکراتیک و سوسیالیستی طرح درخواست های مطالباتی کارگران و صنفی مستقل آنان را بویژه در این مرحله از یادها برده اند.

این گرایش گاهی از سر «خبر خواهی» مصلحت طلبانه، جنبش کارگران و فرازاندنی مبارزات هر روزانه آنان را، با ادعای اینکه کارگران پراکنده اند، تشکلی در میان شان نیست، رژیم سرکوب گر است و در شرایط موجود کارگران موقعیت بسیار ضعیفی دارند، پس قادر به تاثیر گذاری نیستند، از این رو هر گونه به صحنه کشاندن کارگران بر پایه تحقق مطالبات معوقه آنان، شتاب بخشیدن به مبارزه همه جانبه با کلیت نظام است. لذا آگاهانه نمی بیند که چپ کاری به پیش صحنه آید!

باید ازجانبداران این نگرش پرسید: چرا در شرایطی که از یک طرف به اصلاح ورشکستگان به تقصیر یعنی «اصلاح طلبان» حکومتی واپوزیسیون ضددمکرات وارتجاعی باامکانات وسیع رسانه ای و پول، میدان داری میکنند از قبل تعمیق مبارزه کارگران و جنبش دمکراسی خواهی را بطور جدی تهدید مینمایند ما باید سکوت کنیم؟ چرا باید طبقه کارگر که فراتر از همه درطول بیش از ۵ دهه (درد و نظام شاهی و اسلامی) زیر دست و پا له شده است در چنین کشاکشی روی پای خودنایستد تا با جنبش همگانی برای چانه زدن همراه گردد؟ یا حول چندشعار کلی و بی رمق خود را تعریف کند و از تعمیق مبارزه طبقاتی و پیکار مداخله جوانانه و مستقل خویش چشم پوشد تا امکان شکل گیری «جبهه وسیع ضد دیکتاتوری» سریعتر فراهم گردد؟

این تحلیل ونگرش رفرمیستی که جز وابسته کردن مبارزه کارگران به دیدگاه ایدئولوژیک و انحلال طلبانه خود، که بارها متحانش را در جنبش مبارزاتی مردم ایران و جهان پس داده است، بی اعتقادی کامل آنان به استقلال مبارزه طبقاتی را همچنان با خود یدک میکشند!

این تفکر، نه تنها راه وصول به دمکراسی و رودررویی و ستیز با آلترناتیوهای ارتجاعی و ضد دمکراتیک را در پی میآورد و به امر مبارزه کارگران یاری نمیرساند بلکه بیش از پیش راه نفوذ عوامفریبانه همه دشمنان طبقه را در میان آنان فراهم میسازد؛ از اینرو میتوان و باید تنها با طرح مطالبات شفاف و بی ابهام کارگران، از دام دمکرات نمایی فرصت طلبانه مدعیان دمکراسی و آزادیخواهی نخ نمایانه این بلندگویان آزادیخواهی در صفوف مبارزاتی کارگران جلو گرفت تا راه آلترناتیوهای ضد دمکراسی و آزادی سد گردد و جنبش عمومی مبارزاتی کشور، قربانی کوتاه آمدن از شعار های روشن و مطالبات واقعی خود نگردد و دنباله رو این عوامفریبان قرار نگیرد!

از نظر من، مسئله استقلال جنبش کارگری و صف مستقل شان نه در قطع پیوند و بایکوت این جنبش در قبال جنبش دمکراتیک و همگانی و نه در پشت کردن به جنبش های عمومی و فراطبقاتی، بلکه و بلکه در چگونگی روی آوری و دخالت فعال در آن معنی مییابد. هر پیکارگر باورمند به چپ کاری در عرصه مبارزه طبقاتی یک مدافع جسور دمکراسی طلبی و حقوق بشر و وصول جامعه مدنی و حق شهروندی آحاد ایرانی و پهنه جهان بشریست.

استقلال جنبش و صف مستقل کارگری تنها زمانی معنی می یابد که پای دولت- کارفرما- نهاد های شبه کارگری از یکسو و مداخله سازمانها و احزاب ایدئولوژیک ازسوی دیگر به عدم دخالت در حیات این استقلال طلبی از همه نظر باور پیدا کنند و به آن در عمل اجتماعی، متعهدانه تن دهند تا هر گونه پیش دخالتگری از حیات جنبش مستقل کارگری رخت بربندد! ادامه دارد...

که عمدتاً به عرقه شدن در معضلات روزانه خود و افراد خانواده، گرفتاری معیشتی و غم نان بسر میبرند و کمتر فرصت مییابند که نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی دخالتگر باشند به عینه زمینه پذیرش دارند. وقتی ما خود در همین حد عرقه شویم و خود را جانبدار چنین نگرشی معرفی میکنیم و از طبقه کارگر میخواهیم که تنها به خود بیاندیشد و در پیکار ضد استبدادی، بویژه بر سر وصول آزادیهای سیاسی-مدنی، حقوق شهروندی و پیکار دمکراتیک در سطح عمومی جامعه را به دیگران وا بگذارد، کارگران را در نهایت به تماشاگری منفعل بدل مینماییم!

درست در چنین شرایطی این دیگر افسار و گروههای اجتماعی اند که از غیبت، انفعال و انزوا گزینی کارگران در قبال جنبش های عمومی و فراطبقاتی بهره میگیرند تا بدون مقابله و مقاومت طبقه، برایشان تصمیم بگیرند و خط تعیین کنند و خود این کار در عمل اجتماعی استقلال جنبش کارگری راتا حدی تضعیف مینمایند! این سو جهت گیری نمایند که برای تقویت صف مستقل، چنین درک انزواگرا نه را در دل توده کارگران منزوی نمایند و به کارگران از هر طریق ممکن توضیح دهند که امروز از پس ۲۵ سال حاکمیت سیاه ضد کارگری رژیم اسلامی ایران، مضامین مبارزه طبقاتی آنان از سطوح مطالبات دمکراتیک در برابر کلیت این نظام جدا نبوده و نیست!

وظیفه همه پیکارگران و پیشروان کارگری داخل و خارج و خاصه فعالین چپ کاری در اینستکه: نیاز مبرم و پایه ای کارگران بمتابه مزد و حقوق بگیران، و بخش بزرگی از شهر و ندان، زنان، ملیتهای تحت ستم کشور را به وصول آزادیهای سیاسی و مدنی، حقوق شهروندی، به برابر حقوقی زنان و مردان، به برابر حقوقی ملیتهای ساکن ایران (بلوچ-عرب-ترکمن-ها-ترک آذری-کردها و فارس ها) و اقوام و تیره های دیگر حول مطالبات عمومی و دمکراتیک شان آشنا کنند که جنبش کارگری هم وظیفه ملی در قبال درخواستهای و مبارزات عمومی مردم ایران به عهده دارد و هم در متن و از طریق همین پیکار عمومی است که راه مبارزه طبقاتی خود را در پهنه رهایی طبقاتی و پیکار مستقل طبقه برای طبقه بازی میکند و به سمت کسب دمکراسی به پیش میرود!

در همین جا با تاکید یاد آور گرد: این بحثم بافق نگاه و اعتقاد طرفداران سوسیالیسم دمکراتیک و جانبداران انحلال طلبی مبارزه طبقاتی و پیکار کارگران که به تقدم و اولویت بخشی به مطالبات دمکراتیک و حواله مبارزه مستقل کارگران به روز محشر و «انقلاب مهدی» باور دارند، بغایت فرق دارد. این گرایش رفرمیستی در جنبش مبارزاتی ایران که ساهاست در زمین بورژوازی دست و پا میزنند، با تقدم دانستن مبارزات دمکراتیک، از کارگران، زحمتکشان و تهیدستان حاشیه تولید توقع دارند که فعلا در مبارزه برای سرنگونی رژیم و خواست تحقق حکومت دمکراتیک ووصول آزادیهای بی قید و شرط سیاسی و عرصه پیکار با سرمایه داری مسلط، سیاست ممانعت و آسیب به نوبت را مراعات نمایند تا شرایط مقتضی فراهم گردد!

لذا وظیفه کاوشگران، پیکارگران و پیشروان مبارزات طبقاتی در ایران، باید به درخواستهای و مبارزات عمومی مردم ایران به عهده دارد و هم در متن و از طریق همین پیکار عمومی است که راه مبارزه طبقاتی خود را در پهنه رهایی طبقاتی و پیکار مستقل طبقه برای طبقه بازی میکند و به سمت کسب دمکراسی به پیش میرود!

در همین جا با تاکید یاد آور گردم: این بحثم بافق نگاه و اعتقاد طرفداران سوسیالیسم دمکراتیک و جانبداران انحلال طلبی مبارزه طبقاتی و پیکار کارگران که به تقدم و اولویت بخشی به مطالبات دمکراتیک و حواله مبارزه مستقل کارگران به روز محشر و «انقلاب مهدی» باور دارند، بغایت فرق دارد. این ن گرایش رفرمیستی در جنبش مبارزاتی ایران که ساهاست در زمین بورژوازی دست و پا میزنند، با تقدم دانستن مبارزات دمکراتیک، از کارگران، زحمتکشان و تهیدستان حاشیه تولید توقع دارند که فعلا در مبارزه برای

نامه سرگشاده... دنباله از ص ۱

این را هم شما بارها به شکلی بیان کرده‌اید؛ اما متأسفانه برخی موضع‌گیری‌های سیاسی و گفته‌هایتان نه تنها به چنین هدفی کمک نمی‌کنند، بلکه برخلاف آن عمل و تبلیغ می‌کنند. شما می‌گوئید که سیاستمدار نیستید، و فقط مدافع حقوق بشراید. عجیب است که در کشوری که نمایانند چند تار زلف، و کف زدن بجای صلوات فرستادن هم شکلی از مقاومت و مبارزه سیاسی است، گلاویز شدن با حکومتی که حقوق بشر را زیر پا می‌گذارد، کاری سیاسی نباشد! هر اندازه هم که موقعیت تازه ملی و بین‌المللی شما حفاظتی امنیتی برای تداوم فعالیت‌هایتان فراهم کرده باشد، باز هم خطرات موجود و ملاحظاتی شما در شیوه ادامه کارتان، قابل فهم است و هیچ آدم آگاهی از شما توقع ندارد که چون جایزه صلح نوبل را برده‌اید، بر سر چهار راه بالای چهارپایه بروید و شعار ضد حکومتی بدهید. اما این که از پاسخ به سئوالات مربوط به وضعیت حقوق بشر در ایران و موانع آن به بهانه «سیاستمدار» نبودن طفره بروید، برای کسی قابل قبول نیست. اگر کار شما فقط دفاع از حقوق بشر است و کاری به سیاست ندارید، چرا می‌گوئید که اگر در کمیته نوبل بودید، آقای خاتمی را انتخاب می‌کردید؟! وقتی مردم ایران از زبان شما می‌شنوند که خاتمی مخالف حقوق بشر را شایسته‌ترین مبارز راه حقوق بشر می‌شناسید، در باره دید شما از حقوق بشر و عزم شما در مبارزه برای آن، چگونه باید داوری کنند؟! اگر شما کاری به سیاست ندارید، چرا بعنوان برنده جایزه نوبل مردم را به شرکت در انتخابات آینده مجلس اسلامی که با همه موازین حقوق بشر و دموکراسی در تضاد است دعوت می‌کنید؟! چرا ایده امکان اصلاح نظام سیاسی کشور را تبلیغ می‌کنید؟ این‌ها مداخله در سیاست نیستند ولی سخن گفتن از وضعیت حقوق بشر در ایران در مراسم اسلو یا در مصاحبه با تلویزیون «سی ان ان» توسط شما که می‌گوئید کارتان دفاع از حقوق بشر است، مداخله در سیاست است؟! ایکاش شما واقعاً وارد این بازی سیاسی نمی‌شدید که ناقض مبارزه برای حقوق بشر است؛ و فقط از حقوق بشر دفاع می‌کردید که در شرائط امروز ایران، از هر کار دیگری، سیاسی‌تر است! این اظهارات شما ضربه‌ای به اعتبارتان نزد مردم زده است که جناح مسلط رژیم با سال‌ها تلاش نمی‌توانست در آن موفق شود. افسوس! خانم عبادی! شما که می‌گوئید فقط مدافع حقوق بشراید، از وقتی که جایزه نوبل را برده‌اید، بیش از مدافع حقوق بشر، بعنوان مدافع اسلام وارد صحنه شده‌اید. گویی رسالتی که جایزه نوبل به شما داده است، تبلیغ برای «سازگاری اسلام با حقوق بشر» است و نه دفاع از حقوق بشر. و این چهره‌ای بود که شما متأسفانه از خودتان در فرصت بی‌مانند و تاریخی دریافت جایزه نوبل از خودتان در برابر صدها میلیون شنونده و بیننده سیاره خاکی در ایران و جهان ارائه دادید. شما گفتید که اسلام با حقوق بشر ناسازگار نیست، و گویا فقط «قرائت» خاصی از اسلام است که با آن ناسازگار است. شما گفتید که گناه نقض حقوق بشر در ایران نه بر گردن اسلام، بلکه بر گردن پدر سالاری است. آیا به معنای این سخنان فکر کرده بودید؟

بگذارید اول از اسلام و نه از «جمهوری اسلامی» حرف بزنیم. شما که تحصیلات حقوق کرده‌اید و حقوق اسلامی را هم بالاجبار در دانشگاه خوانده‌اید؛ شما که در فعالیت‌های شغلی‌تان در جمهوری اسلامی، بطور روزمره و رسمی با حقوق اسلامی سرو کار داشته‌اید، عجیب است که ندانید حقوق اسلامی، «قرائت» خاصی از اسلام نیست، بلکه خود اسلام است. حقوق اسلامی، بر پایه بی‌حقی مطلق انسان در برابر خدا؛ بیعت امت با امام و نماینده خدا بر روی زمین؛ وابستگی

برده به ارباب و کارگر به کارفرما؛ و تبعیت زن از مرد؛ و بطور خلاصه، نه بر پایه حقوق انسان‌ها، بلکه بر پایه تکلیف آن‌ها در برابر خدا؛ تکلیف امت در برابر امام و حاکم اسلامی؛ تکلیف غیر مسلمانان در برابر مسلمانان، بردگان در برابر مالکان، زنان در برابر مردان و غیره بنا شده است. محال است شما این‌ها را ندانید. محال است ندانید که برای تخطی از این تکالیف، عقوبت‌های بس خشن و بربرمنشانه‌ای از قبیل قصاص، قطع عضو، سنگسار، اعدام، قتل عام و غیره در قانون جزای اسلامی پیش بینی شده است. شما که در سخنرانی خود در مراسم دریافت جایزه صلح نوبل در اسلو، بیش از مدافع حقوق بشر بعنوان مدافع اسلام ظاهر شدید، گفتید که اسلام دین صلح و عدالت است. این حرف شما کاملاً درست است؛ اما شنوندگان غیر مسلمان شما در جهان نمی‌دانند که اسلام، با تسلیم شدگان و بیعت کردگان صلح می‌کند، وگرنه خون‌شان را حلال می‌داند. این غیر مسلمانان جهان، همچنین نمی‌دانند که عدالت دوستی اسلام، از خنثیت با برابری است. ولی شما که دائم می‌گوئید مسلمان‌اید، قطعاً باید بدانید که در اسلام - و نه در «قرائت» خاصی از آن - برابری، عین بی‌عدالتی است و متفکرین، فیلسوفان و رهبران اسلامی، همواره از نابرابری، به این دلیل که خدا همه انسان‌ها را مساوی نیافریده و استعدادها و ارزش‌های فطری و دینی آدم‌ها یکسان نیست، دفاع می‌کنند و برابری را بدترین بی‌عدالتی قلمداد می‌کنند. این‌ها را شما بعنوان مسلمان، باید بدانید؛ و بعنوان مدافع حقوق بشر نیز باید بدانید که همه این‌ها با حقوق بشر، ناسازگار است. خانم عبادی! شما این‌ها را می‌دانید؛ اما اگر منظورتان از این که اسلام با حقوق بشر ناسازگار نیست، این است که به مقتضای زمان باید این قوانین را کنار گذاشت و حقوق بشر را جایگزین آن‌ها کرد، معنای این کنار گذاشتن، سازگاری اسلام با حقوق بشر نیست، بلکه اثبات ناسازگاری آن است؛ اگر «قرائت» شما از اسلام این است که می‌توان احکام قرآنی، و شرع مبتنی بر اخبار و احادیث را با منشور جهانی حقوق بشر جایگزین کرد، این دیگر قرائتی از اسلام نیست؛ قرائت نکردن اسلام است؛ کنار گذاشتن قوانین اسلامی است و این، چیزی جز ناسازگاری اسلام با حقوق بشر را اثبات نمی‌کند.

اما به اصل مسأله بپردازیم!
در ناسازگاری اسلام با حقوق بشر، شکی نیست؛ اما آنچه امروز در ایران مطرح است، نه ناسازگاری اسلام، بلکه نا سازگاری حکومت اسلامی با حقوق بشر است. بسیار روشن است که حقوق بشر اساساً از طرف حکومت و دولت است که زیر پا نهاده می‌شود و چالش کنونی بر سر حقوق بشر، چالشی است در وهله اول با دولت اسلامی. به همین دلیل، وقتی که امروز شما سازگاری اسلام با حقوق بشر را تبلیغ می‌کنید، هیچ چیز جز ایده سازگاری حکومت اسلامی با حقوق بشر را القاء نمی‌کنید؛ و این، هم خلاف تجربه بیست و پنج ساله جمهوری اسلامی است؛ هم خلاف تجربه شکست خورده اصلاح طلبی دوم خرداد؛ هم خلاف درسی که مردم ایران از اصلاح ناپذیری این رژیم گرفته‌اند؛ و هم خلاف این اصل عام و جهان شمول که هر حکومت دینی بنا بر تعریف و بنا بر ذات غیر دنیوی و منشاء «آسمانی» احکام خود، در تضاد با حقوق بشر؛ برابری حقوقی شهروندان؛ آزادی‌های فردی و دموکراسی است؛ و درست به همین خاطر هم هست که حقوق بشر و دموکراسی در تاریخ بشر، بدون دولت لائیک، غیر قابل تصور و غیر قابل حصول بوده است. از اینرو، مبارزه برای حقوق بشر، خواه ناخواه به مبارزه برای دولت لائیک؛ برای جدائی دین از دولت و از آموزش عمومی، و به مبارزه برای لغو همه قوانین و سنن مذهبی و غیرمذهبی تبعیض آمیز وابسته است.

از شما، نه بعنوان مدافع اسلام بلکه بعنوان مدافع حقوق بشر، انتظار این است که بجای تبلیغ برای سازگاری اسلام و حکومت اسلامی با حقوق بشر، موضوع را به این صورت مطرح کنید که: مردم مسلمان، می‌توانند و باید از حقوق بشر برخوردار باشند؛ و در کشورهای هم

بقیه در ص ۵

...دنباله نامه سرگشاده از ص ۴

بر تجربه مستقیم و پر هزینه خود آموخته‌اند که دیگر به تبلیغات در بازه امکان اصلاح رژیم اسلامی و سازگاری آن با حقوق بشر و مردم سالاری، باور نکنند. ارزش و اعتبار جایزه‌ای که نصیب شما شده است در نظر مردم ایران هیچ ربطی به نیت و انتظارات کمیته داوران نوبل نداشته و فقط بستگی به آن دارد که شما تا چه اندازه این پیروزی را در خدمت پیکار آنان برای حقوق بشر، آزادی، دموکراسی، و برابری قرار دهید. داوری در بازه شما با رأی کمیته داوران نوبل به پایان نرسیده است: داور نهائی در مورد انتخاب کمیته داوران نوبل، مردم ایران‌اند که همه گفته‌ها و موضع‌گیری‌های شما را با وسواس و هشیاری زیر نظر دارند. با احترام و آرزوی آن که همیشه خدمتگزار و محبوب مردم باقی بمانید!

شهاب برهان، ۲۱ آذر ۱۳۸۲

که اکثریت جمعیت آنان مسلمان‌اند، رعایت حقوق بشر و استقرار دموکراسی ممکن است. این گونه طرح موضوع، زمین تا آسمان با تبلیغ سازگاری (حکومت) اسلام با حقوق بشر و دموکراسی، فرق دارد و حتی عکس آن است؛ چرا که نخستین شرط آن که مردم مسلمان ایران از حقوق بشر و دموکراسی برخوردار باشند این است که حکومت اسلامی نداشته باشند! مسلمان بودن اکثریت مردم ایران و ناسازگاری اسلام با حقوق بشر، هر دو حقایقی مسلم‌اند؛ اما این هم حقیقتی مسلم است که همین مردم مسلمان، باید از حقوق بشر برخوردار باشند. راهش این نیست که منتظر باشیم مردم ابتدا از اسلام دست بکشند تا صلاحیت برخورداری از حقوق بشر را پیداکنند؛ بلکه راهش پایان دادن به حکومت اسلامی است که مجری احکام و قوانین اسلامی و مانع حقوق بشر است.

خانم عبادی! کسی از شما توقع ندارد که علیه اسلام تبلیغ کنید، یا علیه سران جمهوری اسلامی شعار دهید؛ توقع از شما بعنوان مبارز راه حقوق بشر این است که بجای تبلیغ برای سازگاری حکومت اسلامی با حقوق بشر و دموکراسی (که کاملاً خلاف حقیقت است) این حقیقت را تبلیغ کنید که کشورهای با اکثریت جمعیت مسلمان نیز می‌توانند و باید از حقوق بشر برخوردار باشند و به دموکراسی دست یابند. همین و بس. آنوقت، همین مردم مسلمان که تشنه آزادی و برابری و دموکراسی‌اند، خودشان برای برخورداری از حقوق بشر و دست یابی به آزادی و برابری، به از میان برداشتن مانع اصلی اقدام خواهند کرد. حد اقل توقعی که از شما هست این است که اگر از موقعیت ملی و بین المللی استثنائی‌ئی که جایزه نوبل برای شما فراهم کرده است برای تهبیج و تشویق مردم برای از سر راه برداشتن این مانع اصلی در برابر حقوق بشر استفاده نمی‌کنید، لااقل آن را در خدمت ایجاد توهم در مردم نسبت به اصلاح‌پذیری این رژیم و سازگاری آن با حقوق بشر قرار ندهید.

سخنان و موضع‌گیری‌های شما پس از بردن جایزه نوبل متأسفانه برآورنده چنین توقع حداقلی نبوده است و بخصوص موضع شما در مراسم دریافت این جایزه در اسلو، برای آنانی که آرزو داشتند این پیروزی به مبارزه برای حقوق بشر در ایران نیرو برساند، مایوس کننده بود. در سخنرانی اسلو، اشاره شما به اسرای گوانتانامو و اسرائیل، بسیار بجابود؛ اما آیا اشاره‌ای به وضعیت حقوق بشر در خود ایران در چنین مراسمی بقدر دو مورد اخیر ارزش و موضوعیت نداشت؟! اما دریغ از یک کلمه از زبان مدافع حقوق بشر، در باره وضعیت حقوق بشر در ایران! در فرصتی بی مانند و تکرار ناشدنی که چشم و گوش صدها میلیون مردم جهان بر شما بود، سخنرانی‌ئی کردید که به نظر می‌رسید هدف از تنظیم حساب شده و دقیق آن، نه آگاه کردن جهانیان بر آنچه که در جمهوری اسلامی ایران بر حقوق بشر می‌رود، بلکه نرنجاندن حاکمان ایران، و حتا تأمین رضایت آنان بوده است: انتقاد از آمریکا و اسرائیل؛ سکوت در بازه وضعیت حقوق بشر در ایران؛ و حتا تبرئه حکومت اسلامی با گفتن این که نقض حقوق بشر، نه گناه اسلام، بلکه گناه پدر سالاری است.

خانم عبادی! مردم ایران در پیکار دشوار خود برای آزادی و دموکراسی و برابری، در این ربع قرن و بخصوص از جنبش برای اصلاح رژیم اسلامی، درس‌های بزرگ و گرانبهای گرفته‌اند و بنا

برنامه اطاق اینترنتی ایران سوسیال فورم

یکشنبه ۴ ژانویه

ساعت ۲۰_۲۴ به وقت اروپای مرکزی

تراپ ثالث

گفتگو با دوستان و معرفی برنامه‌های سال جدید

address: Box 22 33 40 314 Gtg Sweden

Fax: 0046 31139897 0044 8701257959

آدرس ما در اینترنت:

<http://www.etehadchap.com>

e-mail: web@etehadchap.com

مسول اجرایی بولتن : داریوش ارجمندی

آدرس پست الکترونیکی اتحاد چپ کارگری در آمریکا:

us.east@etehadchap.com

شماره حساب پستی اتحاد چپ کارگری: pg: 4289144-0

تماس با کمیته زنان :

zanan@etehadchap.com

تماس با هیئت هماهنگی :

hh@etehadchap.com

اتحاد چپ کارگری اخبار کارگری

شماره ۱۵۸

۱۶-۱۲-۲۰۰۳ برابر با ۲۵-۹-۱۳۸۲

هشتاد درصد معلمان ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند

بیانیه کانون صنفی معلمان تهران در اعتراض به مشکلات فرهنگی ایلنا: در بیانیه‌ای که از سوی کانون صنفی معلمان در اعتراض به مشکلات این قشر منتشر شد، آمده است: ناکارآمدی و ضعف گسترده‌ای، نظام آموزشی و مدارس جوان‌ترین کشور دنیا را با هفده میلیون دانش‌آموز فرا گرفته است. در ادامه بیانیه آمده است: در حالی که همه اعتراف می‌کنند که توسعه همه جانبه جز با توجه ویژه به آموزش و پرورش و فرهنگیان امکان پذیر نیست، آیا شایسته است در شرایطی که در کشور ما بیش از هشتاد درصد معلمان زیر خط فقر زندگی می‌کنند، با استفاده از مطبوعات و رسانه‌ها بارها و بارها خبر پرداخت میلیاردها تومان مطالبه‌های معوقه فرهنگیان را منتشر کنند و افکار عمومی را فریب دهند؟ این بیانیه می‌افزاید: آیا معلمان حق ندارند که وقتی چهره زشت تبعیض را می‌بینند و حیف و میل بیت المال را مشاهده می‌کنند، زبان به اعتراض بکشایند و حق خود و دیگر محرومان و فرزندان این سرزمین را مطالبه کنند؟ بر اساس این گزارش نمایندگان تشکل های صنفی فرهنگیان کشور با انتقاد از عملکرد ضعیف مسئولان در عمل به وعده‌هایی همچون تدوین نظام هماهنگ پرداخت و رفع تبعیض از فرهنگیان که بنا به دستور ریاست جمهوری قرار بوده تا پانزده آبان ماه تدوین و به هیات دولت تقدیم شود، تصمیماتی اتخاذ شده مبنی بر اینکه تشکل های صنفی فرهنگیان تلاش خواهند کرد در دهه اول دی ماه راهپیمایی یا تجمع بزرگی در شهر تهران با اخذ مجوز برگزار کنند، اما در صورت عدم اخذ مجوز، به مدت سه روز در تاریخ‌های مشخص که از سوی تشکل‌های هر استان به اطلاع خواهد رسید از حضور در کلاس خودداری می‌کنند. همچنین پذیرش یا عدم پذیرش کار اجرایی انتخابات حق شخصی افراد است و از فرهنگیان خواسته می‌شود تا با عدم پذیرش این امر اعتراض خود را نسبت به وضعیت موجود اعلام کنند. در پایان این بیانیه آمده است: با توجه دادن مسئولین به حساسیت اوضاع اعلام می‌شود که چگونگی پاسخگویی به خواسته های فرهنگیان تأثیر بسزایی در میزان مشارکت معلمان در انتخابات آتی خواهد داشت.

ایلنا: یکی از کارگران معترض گفت: با وجود این که ماهها پیش کمیته تشخیص مشاغل سخت و زیان آور شغل ما را مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد دانسته، تامین اجتماعی به بهانه های مختلف و با صدور آیین نامه های گوناگون از اجرای قانون طفره می‌رود. یکی از کارگران هم گفت: چهار ماه پیش مدیر کل تامین اجتماعی استان اصفهان اعلام کرد که تا 15 روز دیگر مشکل شما را حل خواهیم کرد، اما تاکنون هیچگونه اقدام موثری بعمل نیامده است. در این تجمع اعتراض آمیز، جمعی از کارگران شرکت ریسندگی و بافندگی کاشان گفتند که 8 ماه است حقوق نگرفته ایم و سازمان تامین اجتماعی با مانع تراشی در زمینه اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد وضعیت ما را وخیم تر کرده است. کارگران تجمع کننده تاکید کردند که تا زمانی که مشکل آنان حل نشود، این تجمع ها ادامه خواهد داشت.

گزارش ایلنا از وضعیت 90 واحد تولیدی مشکل دار در 4 استان کشور

کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور فهرست 270 واحد تولیدی مشکل دار را اعلام کرد. به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، اکثر این واحدها تعطیل شده اند و یا با بحرانهای مختلفی مواجه هستند، که چنانچه اقداماتی مناسب صورت نگیرد، رکود و تعطیلی این واحدها دور از ذهن نخواهد بود. سرویس کارگری ایلنا، به منظور تدوین افکار عمومی، از این پس تلاش خواهد کرد لیست کارخانه های مشکل دار را در هر استان به تفکیک اعلام کرده و مشکلات این واحد را به صورت مبسوط تجزیه و تحلیل کند. در این شماره نگاهی خواهیم داشت به وضعیت واحد های صنعتی استان های گیلان، مازندران، اصفهان و قزوین، نماینده کارگران گیلان با اظهار نگرانی از وضعیت بحرانی برخی واحد های صنعتی این استان، کارخانجات صنایع پوشش، ایران برك، فرش گیلان، کیسه گیلان، نخ ناز، پارسان، خزر استریچ چاپکسر پوشینه گستر، گیلان پاکت، بسته بندی شمال، شرکت تعاونی قیصر کوه، شرکت امام زاده ابراهیم، صنایع چوب رشت، ایران کف و ابریشم گیلان را از جمله واحد های مشکل دار عنوان کرد و گفت: برغم تمامی تلاش های بعمل آمده مشکلات این واحدها همچنان باقی مانده است و ما بشدت نگران سرنوشت این واحدها و هزاران کارگران شاغل در این واحدها هستیم. یعقوبی از دیگر واحد های مشکل دار استان گیلان را پپله ابریشم، اسپارک ماشین فول، چینی گیلان، چوب اسالم، فقل ایران، ایران جیکا، جوراب گیلان، بیسکویت سازی شهدارک، پلاستیک شمال، ریسندگی گیلان و کارگاه های شهید باهنر، بهشتی، تقویضی، شهید رجایی و شرکت فومنات اعلام کرد. آمار واحد های تولیدی مشکل دار استان مازندران هم نزدیک به 18 واحد اعلام شده که اکثر این واحدها در زمینه نساجی فعال می باشند. دریابگی دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران گفت: واحدهایی چون لینتر پاک بهشهر، نكاه چوب، شرکت شیمیایی کرم کمیکال، ریسندگی پل، چل الکتریک، نساجی تار، گونی بافی و نساجی بابکان از جمله واحدهایی هستند که به شدت دچار بحران شده اند. وی تصریح کرد: کارخانه هایی نظیر چیت سازی بهشهر، کرلر گازی ایران، نساجی طبرستان، حریر قائم شهر، جین مد آمل، آمل پخش، پاک پاک، نساجی چوخوا، پرطلا و خزر خزر نیز به علت مشکلات متعدد و عدم حمایت جدی دولت و

آمار بی‌کاري در بین افراد 15 تا 25 سال، 35 درصد است دانشجویان و

فارغ التحصیلان بی‌کار دانشگاه‌ها از استادان خود می‌خواهند تا برای آن‌ها کار پیدا کنند و اگرچه استادان نیز از بی‌کاري و تبعات سوء آن باخبر بوده و در حد توان کارگشایی می‌کنند، اما این گونه کاریابی‌ها کافی نیست. به گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، دکتر «نبي‌زاده» دبیر همایش «بررسی آثار مولفه‌های مدیریت و اقتصاد بر اشتغال» ضمن بیان این مطلب در همایش مذکور گفت: آمار بی‌کاري از 4 درصد در سال 45، به 9 درصد در سال 75 و 16 درصد در سال 80 افزایش یافته‌است و در صورتی که امروز يك ميليون شغل جديد ایجاد کنیم، نرخ بی‌کاري افزایش نخواهد یافت. وی افزود: میزان بی‌کاري در بین سنين 15 تا 25 سال، در حدود 35 درصد برآورده شده است که این آمار در مورد فارغ التحصیلان دانشگاه‌ها نیز قابل تعمیم است و همین مساله باعث شده تا دانشجویان و فارغ التحصیلان بی‌کار به استادان خود مراجعه و درخواست شغل کنند.

اعتراض کارگران کاشانی به عملکرد تامین اجتماعی در خصوص اجرای

قانون بازنشستگی پیش از موعد.

جمعی از کارگران شاغل در کارخانه های شهرستان کاشان در اعتراض به عملکرد سازمان تامین اجتماعی در خصوص نحوه اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور در محل اداره کل تامین اجتماعی کاشان تجمع کردند. به گزارش خبرنگار سرویس کارگری

دستگاه های ذی صلاح تعطیل شده اند و صدها کارگر شاغل در این واحدها ماهیست که سرگردان هستند. یک نماینده کارگری در اصفهان هم در گفت و گو با سرویس کارگری ایلنا، شمار واحدهای بحران زده استان را بالغ بر 18 واحد اعلام کرد و گفت: واحدهای ریسندگی رحیم زاده، قند نور سپاهان، تعدادی از کارخانه های متعلق به مهیا گاز، فولاد گستران، صنایع کوه فرد، نساجی تجارت، شهرضای جدید، پارس فاستون، صنایع پشم، پلی اکریل، مهیاران، بافناز، خام باف، ریسندگی و بافندگی نجف آباد و میهن بافت، چینی اصفهان، آجرسفالین و شماری از کارخانه های نساجی و فرش کاشان از جمله کارخانه های مشکل دار استان اصفهان هستند که متأسفانه به علت عدم حمایت دولت و دستگاه های مسئول برخی از این واحدها اخیراً تعطیل شده اند. این نماینده کارگری تصریح کرد: واحد های نساجی بارش، سیمین، پروین، و قفس نیز به علت مشکلات عدیده و تغییر ساختار در تعطیلی به سر می برند و کارگران این واحد ها اکنون تحت پوشش بیمه بیکاری هستند. نماینده کارگران استان قزوین هم گفت: واحدهایی چون فرش اکیاتان، چوب الموت، طیور زیاران، هادی برق، کلاچ سازی نیرومحرکه، حوا، کیسه ایران، ایران بهار، کفش آزادان، قفل رضا، چیلان پولادران، شیرین بال، فورچ ایران، آتش پدید و میلو که متعلق به برخی بانک ها و بنیادها و یا در اختیار بخش خصوصی بوده اند، تعطیل شده اند. هم چنین واحدهای فرش پارس، نقش ایران، نازنخ، لامپ الوان، سیمرغ زهرا، گوشت زیاران، پوشینه بافت، باغ کوثر، تبد، گلیاد و حباب ساز از جمله واحدهایی هستند که در آنها تعدیل نیرو و بشدت انجام می گیرد و در آستانه بحران قرار گرفته اند.

تجمع اعتراض آمیز کارگران در برخی از شهرها برگزار شد

دنبال مخالفت وزارت کشور با انجام راهپیمایی کارگران تهران در اعتراض به تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی، جمعی از نمایندگان کارگری استان تهران - صبح امروز کربوی رئیس مجلس شورای اسلامی دیدار کرده و خواسته های کارگران مطرح کردند - همچنین به گزارش خبرنگاران از سراسر کشور، به رغم مخالفت دستگاه های مسوول با انجام راهپیمایی کارگری، در برخی از نقاط کشور تجمع های اعتراض آمیز نمایندگان کارگری در مقابل ادارات کل مدیریت و برنامه ریزی برگزار شد و کارگران مراتب اعتراض خویش را به تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی اعلام کردند. به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران سمنانی و نمایندگان آنان با تجمع در مقابل دفتر سازمان مدیریت و برنامه این استان ضمن اعتراض به تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی، بر حفظ استقلال سازمان تامین اجتماعی تاکید کردند.

در این مراسم حسین طاهرزاده دبیر اجرایی خانه کارگر سمنان تاکید کرد: ما مخالف اجرای اصل 29 قانون اساسی در زمینه تامین رفاه عمومی نمی باشیم، اما نمی پذیریم که استقلال سازمان تامین اجتماعی خدشه دار شود. در این تجمع قطعنامه ای در 8 ماده قرائت شد که کارگران با تاکید بر حفظ استقلال سازمان تامین اجتماعی، اظهار داشتند: صندوق تامین اجتماعی متعلق به بیمه شدگان است و اجازه نمی دهیم که منابع این سازمان در خدمت اهداف وزارت رفاه قرار گیرد.

آنان هم چنین به نحوه عملکرد سازمان تامین اجتماعی در خصوص نحوه اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور انتقاد کردند. گزارش خبرنگار سرویس کارگری ایلنا، از کرمانشاه، نیز حاکیست که به دنبال مخالفت فرمانداری با برگزاری راهپیمایی و تجمع کارگری مقرر شده که نمایندگان کارگری در نشستی با مسئولان اداره کل مدیریت و برنامه ریزی استان مراتب اعتراض کارگران کرمانشاه را به تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی اعلام کنند. جواد اکبری نماینده کارگران کرمانشاه، در گفت و گویی با ایلنا، تاکید کرد: تشکیل وزارت رفاه و حذف نهادهای مستقل سازمان تامین اجتماعی به مفهوم نادیده گرفتن حقوق کارگران است. وی گفت: ما معتقدیم که دولت باید مطالبات معوقه خود را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند. خبرنگار ایلنا، از ایلام نیز گزارش داد

که به دنبال لغو راهپیمایی کارگری در اعتراض به تشکیل وزارت رفاه، جمعی از نمایندگان کارگری این استان در دیدار با مسئولان سازمان مدیریت و برنامه ریزی ایلام، اعتراض کارگران را به تشکیل این وزارتخانه اعلام کردند که مسئولان این سازمان قول دادند که موضوع را به مسئولان مدیریت و برنامه ریزی کشور منعکس کنند. علی غیائی نماینده کارگران استان ایلام در گفت و گو با خبرنگار ما تاکید کرد: کارگران تا رسیدن به خواسته های به حق خود، آرام نخواهند نشست. در مشهد نیز جمعی از کارگران و نمایندگان آنان با تجمع در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان خراسان خواستار حفظ استقلال سازمان تامین اجتماعی شدند آنان مراتب اعتراض خود را نسبت به تشکیل وزارت رفاه اعلام کرده و تاکید کردند: تحمل نخواهیم کرد که منابع صندوق تامین اجتماعی در خدمت برنامه های وزارت رفاه باشد. رسولی نماینده کارگران خراسان گفت: در دیدار نمایندگان کارگری خراسان با مسئولان سازمان مدیریت و برنامه ریزی، آنان تاکید کردند که برداشت جامعه کارگری از این قانون صحیح نمی باشد و مطمئن باشید که استقلال سازمان تامین اجتماعی لطمه خواهد خورد. نمایندگان کارگران استان قم نیز صبح امروز با تجمع در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی این استان مراتب اعتراض خویش را به تشکیل وزارت رفاه اعلام کرده و تاکید کردند: ما از کلیت لایحه تشکیل وزارت رفاه و تامین اجتماعی استقبال می کنیم، اما اعتقاد داریم که برای تامین رفاه آحاد جامعه نباید از کیسه کارگران خرج شود. یک نماینده کارگری تاکید کرد: خانواده بزرگ تامین اجتماعی در حال حاضر با مشکلات متعددی مواجه هستند، وای به روزی که صندوق این خانواده برای رفاه آحاد مردم تعلق گیرد. نمایندگان کارگران استان قم در بیانیه خود ضمن تاکید بر حفظ استقلال سازمان تامین اجتماعی، خواستار پرداخت مطالبات سازمان توسط دولت شدند آنان هم چنین خواستار آن شدند که سازمان تامین اجتماعی در خصوص اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور سرعت عمل به خرج دهد. به گزارش خبرنگار ایلنا از ساوه، نمایندگان کارگران این شهرستان نیز با تجمع در مقابل سازمان مدیریت و برنامه ریزی ضمن اعلام تبعیت از اوامر مقام معظم رهبری و حمایت از سیاست های دولت در زمینه تامین رفاه عمومی، تشکیل وزارت رفاه و بهره برداری از منابع صندوق سازمان تامین اجتماعی را موجب نگرانی جامعه کارگری اعلام کردند. در بیانیه ای که نمایندگان کارگری ساوه منتشر کردند آمده است: کارگران ایرانی هر کجا که لازم بود با تمام وجود در خدمت سازندگی و شکوفایی اقتصاد نظام مقدس بوده اندو برغم تمامی تلاش دشمنان، حامی واقعی نظام و انقلاب بوده و خواهند بود. آنان تصریح کرده اند: ضمن استقبال از تصمیم دولت برای گسترش رفاه عمومی، نمی توانیم بپذیریم که سرمایه چندین ده ساله بیمه شدگان به یکباره تحت اختیار وزارتخانه ای قرار گیرد که به دستور دولت هر کجا خواست هزینه کند. نمایندگان کارگران ساوه تاکید کرده اند بهتر است دولت خدمتگزار و نمایندگان مجلس به جای ایجاد وزارتخانه ای جدید، در اندیشه افزایش واقعی دستمزد کارگران و بهبود زندگی آنان باشند. در بیانیه نمایندگان کارگری ساوه بر اجرای سریع تر قانون بازنشستگی پیش از موعد در مشاغل سخت و زیان آور تاکید شده و آمده است: بهتر است که دولت به جای تشکیل وزارت رفاه، بدهی 1400 میلیارد تومانی خود را به سازمان تامین اجتماعی بپردازد.

تعطیلی 3 واحد صنعتی و بیکاری 500 کارگر مازندرانی

با تعطیلی سه واحد تولیدی در مازندران بیش از 500 کارگر شاغل در این واحد ها بیکار شدند. به گزارش سرویس کارگری ایلنا، شرکت ریسندگی کل، کولر گازی ایران و دستمال سازی حریر قائم شهر سه واحدی هستند که به دلایل متعددی از جمله سوء مدیریت و خصوصی سازی دچار رکود شده و تعطیل شده اند. بنابراین گزارش، واحد تولیدی کولر گازی ایران و حریر قائم شهر که به ترتیب تحت پوشش بانک صنعت و معدن و شرکت سرمایه گذاری سازمان بازنشستگی هستند تعطیل و دهها کارگر از کار بیکار شدند.